

سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال برجام و پیامدهای سیاسی-امنیتی آن

دکتر احسان یاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۷

چکیده:

با روی کارآمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده به عنوان رییس جمهور منتخب، پیش بینی‌ها از ایجاد تغییرات گسترده در روش‌های سیاست‌های خارجی این کشور نسبت به برخی از مسایل از جمله برجام حکایت دارد. تهدیدات ترامپ به پاره کردن و اختلال در اجرای برجام، موجب نگرانی‌های گسترده در مورد استمرار کارکرد این سند راهبردی بین‌المللی شده است. این مقاله با بررسی تاثیرات روی کارآمدن ترامپ بر روی برجام از منظر نظام امنیتی داخلی ایالات متحده، نظام امنیت بین‌المللی و نظام امنیت داخلی ج.ا.ایران به این پرسش پاسخ داده است که روی کارآمدن ترامپ و سیاست وی در مورد برجام، چه تأثیرات و پیامدهایی از ابعاد سیاسی-امنیتی بر جای خواهد گذاشت؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که روی کارآمدن ترامپ تأثیراتی چون انشقاق در انسجام ملی در آمریکا نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا.ایران... خواهد داشت. احتمال مسئول تلقی شدن ترامپ از منظر حقوق داخلی ایالات متحده، امکان اعمال تحریم‌های بیشتر در سایر زمینه‌ها علیه ج.ا.ایران، تلاش برای تحمیل برجام دو و سه بر ج.ا.ایران... در پایان، راهکارهایی نیز برای جلوگیری از ایجاد اختلال در برجام توسط ترامپ پیشنهاد شده است که عبارتند از: استفاده از ظرفیت شورای امنیت سازمان ملل متحد، استفاده از ظرفیت‌های داخلی ج.ا.ایران، توسل به کمیسیون حل و فصل اختلافات برجام و بهره‌گیری از تضاد نسبی منافع میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا.

واژگان کلیدی: ترامپ، برجام، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، شورای امنیت

۱- مقدمه

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
e.yari22@gmail.com

در هشت نوامبر ۲۰۱۶ دونالد ترامپ به عنوان چهل و پنجمین ریاست جمهوری منتخب آمریکا که به علت عدم تجربه سیاسی و حضور در دنیای تجارت، یکی از ناپخته‌ترین رؤیس جمهوری‌های آمریکا از وی یاد می‌شود؛ انتخاب شد. اگرچه در این انتخابات برخلاف انتخابات پیشین ایالات متحده، مسایل اقتصادی و اشتغال، مهمترین حوزه بحث و نگرانی عمومی را تشکیل داده و موضوعاتی چون ایران، روسیه، تامین امنیت رژیم صهیونیستی و اعراب و گروه‌های تروریستی چون القاعده و داعش در درجه دوم اهمیت بودند، اما این امر نیز مانع از عدم اهمیت بالقوه مسایل مربوط به سیاست خارجی از جمله موضوع توافق هسته‌ای جامع ایران با ۱+۵ نشد. اظهارنظرهای جنجال برانگیز ترامپ در زمان کارزار ریاست جمهوری در مورد ایران و نحوه چینش مشاوران و اعضای هیئت دولت آینده آمریکا که ج.ا.ایران را به عنوان بزرگترین تهدید امنیت خارجی ایالات متحده محسوب می‌کنند؛ موجب شده است که سوالات و ابهاماتی در مورد استمرار برجام مطرح شود. وی در جریان مبارزات انتخاباتی خود، توافق جامع هسته‌ای قدرت‌های جهانی با ج.ا.ایران را «یکی از بی معنی ترین توافقات»، «فاجعه سیاست خارجی» و «اینکه آنان (ایرانیان) به حماقت توافقی که ما در مورد هسته‌ای منعقد نموده‌ایم، می‌خندند» دانسته است و اظهار نمود که مختل نمودن اجرای آن یا «مذاکره مجدد»، یکی از اولویت‌های وی پس از روی کار آمدن خواهد بود.^۱

از سوی دیگر، ج.ا.ایران و گروه ۱+۵ (چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، آلمان و ایالات متحده آمریکا) در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، توافق جامع هسته‌ای موسوم به برجام را امضاء نموده و از ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ به اجرای آن پرداختند و به عبارت دیگر، برجام یک موافقت نامه دو جانبه نبوده بلکه یک موافقت نامه بین‌المللی بین هفت کشور می‌باشد. ایالات متحده آمریکا از برجام غیر از حل و فصل مسایل هسته‌ای، هدف عمده دیگری نیز داشت و آن فتح باب مذاکره با ج.ا.ایران در ارتباط با سایر مسایل بود به طوری که همانگونه که برخی از تحلیلگران آمریکایی ادعان داشته‌اند، برجام می‌تواند سنگ بنای توسعه روابط بلندمدت ایران و ایالات متحده و یک مبنای عادی سازی روابط بین دو کشور تلقی شود. دیدگاه مشابه مثبت دیگر در ارتباط با برجام در بین

^۱ - ترامپ اظهار اخیر را در جریان اجلاس سالیانه AIPAC داشت. این گونه اطلاق نه تنها توسط شخص ترامپ بلکه توسط برخی از اطرافیان وی نیز صورت گرفته است. برای نمونه مایک پومپئو، در مورد توافق هسته‌ای با ایران گفته است: «من در صدد بازگرداندن این توافق فاجعه بار با بزرگ ترین دولت حامی تروریسم در جهان هستم». در اظهارنظرهای برخی از نمایندگان کنگره نیز چنین تلقی دیده می‌شود. برای نمونه ایلنا راس-لهیتن، نماینده جمهوری خواه فلوریدا مجلس نمایندگان افزوده است: «بدیهی است که ما در صدد ورود به مرحله جدیدی از تحریم‌های ایران هستیم، ما سراسیمگی فعالیت مربوط به ایران را در سال جاری خواهیم دید. من فکر می‌کنم ما از فرصت به رفع امتیازات مشکل زای بیشماری که در طول چند سال گذشته شاهد آن بوده ایم؛ برخورداریم.»

تحلیلگران آمریکایی آن است که با جولان گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، شکست بهار عربی و ناکارآمدی عمده دولت‌های خاورمیانه می‌توان از طریق باثبات نمودن ایران بواسطه اقداماتی چون برجام، در جهت تامین صلح و امنیت منطقه‌ای توسط ج.ا.ایران گام برداشت. با این حال، انتخابات ایالات متحده و پیروزی دونالد ترامپ و همچنین کسب اکثریت هر دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، روند عکس را طی می‌کند به گونه‌ای که اینک، اختلال در برجام به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی دولت جدید ایالات متحده تبدیل شده است. البته ترامپ در برخی از زمینه‌های اختلافی ج.ا.ایران و غرب از جمله سوریه، موضع نرم‌تری نسبت به دولت اوباما اتخاذ کرده به نحوی که وی مخالفان میانه روی حکومت بشار اسد را به مانند ایران و روسیه از زمره گروه‌های تروریستی محسوب نموده و از ضرورت برپا ماندن حکومت بشار اسد به عنوان بهای کوچکی که برای مقابله با گروه‌های تروریستی بایستی پرداخت شود؛ صحبت کرده است.^۱ بنابراین، بایستی در زمینه‌های مختلف سیاست خارجی ترامپ قایل به تفکیک شد.

۲- پیشینه تحقیق

با توجه به روی کارآمدن ترامپ به تازگی در ایالات متحده در مقام ریاست جمهوری، تاکنون گزارش‌ها و مقالات تحلیلی - علمی معدودی خواه در فارسی و خواه در لاتین در این مورد نگاشته شده است و این موضوع در مورد تأثیرات روی کارآمدن ترامپ بر برجام نیز تشدید می‌گردد. این موضوع منجر به تکیه بیشتر نویسنده به تحلیل‌های مستقل و مستدل با استفاده از سوابق مطالعاتی کلی شده است. این خلاء تحقیقاتی منجر بدین شد که در این بخش صرفاً به بررسی سوابق تحقیقاتی در مورد سیاست‌های کلی ایالات متحده بر برجام اکتفاء کنیم:

۱. مقاله «کالبدشکافی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱» نگاشته حبیب الله ابوالحسن شیرازی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۴، صص ۹-۵۶ یکی از آثاری می‌باشد که به مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا با تکیه بر برجام پرداخته است. این اثر با اشاره به بی تأثیری نظام تحریم‌ها علیه ج.ا.ایران به ویژه در سال‌های پایانی، گسترش نفوذ ایران در منطقه، بی اعتمادی به ایالات متحده، پرهزینه بودن یک جنگ احتمالی با ج.ا.ایران و پی بردن به واقعیت برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، ایالات

^۱ - در این زمینه ترامپ، ضمن انتقاد از راهبرد نظامی غرب در مقابله همزمان با بشار اسد و گروه‌های تروریستی چون داعش و «دیوانگی» اطلاق نمودن آن، تصریح داشته است که: «آیا خوب نخواهد بود اگر ما همراه با روسیه شویم و داعش را به جهنم بفرستیم؟»

متحدہ آمریکا را بیشتر از ج.ا.ایران محتاج و نیازمند به مذاکرات هسته‌ای با ایران می‌داند. همچنین، با اشاره به ایجاد گفتمان جدید در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در ایران مبنی بر ایجاد یک راه سوم برای سیاست خارجی ایران در زمینه مسایل هسته‌ای یعنی توافق برد-برد، از سوی دیگر برجام را یکی دیگر از برگ‌های برنده حسن روحانی در استمرار گفتمان «برد-برد» خود می‌داند. با این حال، این مقاله نیز با توجه به جدید بودن تحولات در ایالات متحده، صرفاً تمرکز خود را بر روی دوران ریاست جمهوری اوباما گذاشته است.

۲. مقاله «تاثیرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران» نگاشته مسعود کمالی اردکانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۵۳-۸۲ نیز از منظر تجاری خارجی به تاثیرات برجام پرداخته است. از آنجا که در این مقاله، متغیر مستقل برجام و متغیر وابسته تجارت خارجی ج.ا.ایران بوده برخلاف مقاله حاضر که روی کارآمدن ترامپ را به عنوان متغیر مستقل مفروض داشته است. با این حال، آثار تجاری از برجام را از جمله تاسیس دفاتر تجاری کشورهای اروپایی در ایران، توسعه حمل و نقل دریایی و ترانزیت راذکر نموده است. بدیهی است که می‌توان تهدیدات ترامپ را نسبت به اختلال در برجام منجر به بلا تکلیفی بسیاری از این گشایش‌های تجاری در ایران دانست.

در تحقیقات لاتین نیز به مانند تحقیقات فارسی تاکنون مقاله‌ای علمی که به صورت خاص به روی کارآمدن ترامپ بر و تاثیر آن بر ایران و برجام پرداخته باشد؛ نگاشته نشده و عمده ادبیات موجود، ادبیات خبرگزاری‌ها می‌باشد.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه-ای می‌باشد. در این راستا تلاش می‌شود تا از ظرفیت‌های موجود اعم از کتابها به زبان فارسی و لاتین حداکثر استفاده صورت گیرد. علاوه بر روش مذکور و در جهت تکمیل تحقیق حاضر، چنانچه لازمه هر پژوهشی می‌باشد، تلاش می‌شود از روش‌های دیگر نیز استفاده شود که از جمله این روش‌ها، می‌توان مطالعه اسناد مرتبط با موضوع اشاره کرد. همچنین در راستای آگاهی از تغییرات مربوطه و به روز شدن اطلاعات و یافته‌ها تلاش می‌شود که از منابع الکترونیکی استفاده شود.

۴- سیاست خارجی ترامپ در مورد ایران

ترامپ در جریان کارزارهای انتخاباتی‌اش برخلاف همتای دموکرات خود، هیلاری کلینتون، موضع خود در قبال سیاست خارجی و از جمله زمینه‌های اختلافی با ج.ا.ایران بالاخص برجام را به صورت موسع بیان نکرده و البته بسیاری این عدم توسیع را به فقدان تجربیات سیاسی ترامپ نسبت می‌دهند. از ابتدای روی کار آمدن ترامپ تاکنون، وی چند استدلال اصلی را در مورد ضرورت اخلال در برجام ارایه داده است که عبارتند از: انتقال منابع آزاد شده مالی ایران در اثر برجام به جنبش‌های مقاومت اسلامی، ضرورت براندازی نظام ج.ا.ایران به جای مذاکره، عدم توجه برجام به تمامی قابلیت‌های تهدید زای ایران و اعطای امتیازات پنهانی به ایران در قالب برجام. خود ترامپ مجموعه این استدلالات را در یک قالب بزرگتر به صورت مخلص آورده و آن اینکه نهایتاً برجام منجر به افزایش قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران و دور افتادن آن از انزوای منطقه‌ای شده است.

۴-۱- انتقال منابع آزاد شده مالی ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی

مهمترین استدلال ترامپ برای اخلال در برجام، به انتقال منابع آزاد شده مالی ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی باز می‌گردد. بر این اساس، اگرچه برجام موجب کند شدن برنامه هسته ایران شده است اما در مقابل، امکان بهره مندی ج.ا.ایران از بازارهای مالی بین‌المللی و انتقال منابع آزاد شده مالی به ایران و جنبش‌های مقاومت اسلامی را به میزان ۱۵۰ میلیارد دلار تسهیل ساخته است. خود ترامپ در این زمینه اظهاراتی انجام داده است، از جمله در ارتباط با آزادسازی منابع مالی ایران اینکه ادعا نمود: «من از اعلام این امر متأسفم. ما نمی‌توانیم ۱۵۰ میلیارد دلار را به شما بازگردانیم. ما می‌خواهیم این پول را به شما بازگردانیم اما ما نداریم. پول اینجا نیست.» (<http://www.pbs.org>) همچنین وی در گردهمایی حزب جمهوری خواه در زمان کارزار ریاست جمهوری در کیولند اوهایو گفت: «ایران، بزرگترین حامی دولتی تروریسم، اکنون با ۱۵۰ میلیارد دلار از سوی آمریکا، جیبش پر شده است. از همه بدتر، توافق هسته‌ای ایران، دولت شماره یک حامی تروریسم افراطی اسلامی را در مسیر تسلیحات هسته‌ای قرار داده است.» (<http://www.businessinsider.com/> 2016) وی همچنین بیشتر از این به پیش رفته و برجام را منجر به تبدیل شدن ج.ا.ایران به یک قدرت غالب منطقه‌ای که تمایل دارد تا «قدرت مسلط جهانی» بشود؛ توصیف می‌نماید.

این چنین نگرانی نه تنها از سوی ترامپ بلکه از طرف کلینتون نیز ابراز شده است از جمله کلینتون در جریان کارزارهای انتخاباتی ایالات متحده (۲۰۱۶) گفت: «ما قطعاً به دلیل توافق

هسته‌ای، تهدید مزبور را کاهش داده‌ایم اما آنها به بی‌ثبات نمودن دولتها در خاورمیانه ادامه می‌دهند، آنها به حمایت از واسطه‌گران و گروه‌های تروریستی چون حزب الله ادامه می‌دهند، آنها به تهدید اسرائیل ادامه می‌دهند. نگرانی‌های بسیار زیادی وجود دارد.» (ballotpedia.org/2016) به خوبی در روند تصویب «قانون خدمات مالی و تخصیص عمومی دولتی ۱۸۵-۲۳۹» توسط کنگره ایالات متحده که فروش ۸۰ فروند و اجاره ۲۹ فروند هواپیماهای مسافربری بویینگ به شرکت هواپیمایی ایران ایر ممنوع می‌گردد؛ قابل مشاهده می‌باشد به طوری که استدلال اصلی در وضع این تحریم مغایر با برجام، استفاده احتمالی ج.ا.ایران از این هواپیماها برای انتقال تسلیحات به منظور جنگ‌های نیابتی‌اش و کمک به جنبش‌های مقاومت اسلامی بود. این احساس خطر از عدم پرداختن برجام به تمامی موضوعات مبتلا منجر به سایر اقدامات نیز شده است که از جمله می‌توان به شرکت ترکی الفیصل به همراه نیوت گینگریج^۱ یکی از افراد نزدیک به ترامپ در اجلاس سالیانه سازمان تروریستی منافقین در پاریس اشاره نمود. یکی از موارد مهم در ارتباط با اجرای برجام، تلقی عملیات نظامی از جمله برپایی رزمایش‌های موشکی بالستیک به عنوان نقض روح برجام می‌باشد در حالی که وضع قوانین محدود کننده اجرای برجام همچون تمدید تحریم نه تنها نقض متن برجام بلکه حداقل نقض روح آن نیز تلقی نمی‌گردد.

۴-۲- ضرورت براندازی نظام ج.ا.ایران به جای مذاکره

ضرورت براندازی نظام ج.ا.ایران به جای مذاکره یکی از استدلال‌های مهمی می‌باشد که ترامپ در زمینه نقض یا اخلال برجام بدان استناد می‌نماید. اگرچه ترامپ سیاست خارجی خود را بر مبنای عدم مداخله‌گرایی و سرنگونی نظام‌های مخالف گذاشته است اما در مورد ایران، این وضعیت دچار تغییر می‌شود به گونه‌ای که مایکل فلااین، مشاور امنیت ملی ترامپ گفته است: «ایران، خطری روشن و کنونی نسبت به منطقه و جهان بوده... و ... تغییر رژیم در تهران بهترین راه برای متوقف ساختن برنامه تسلیحات هسته‌ای آن خواهد بود.»

(<http://townhall.com/columnists/ronpaul/2016/12/05>) برخی از سیاستمداران آمریکایی

نیز همچون ژنرال جیمز ماتیس که نامزد ترامپ برای تصدی پست وزارت دفاع می‌باشد نیز موضع تندتری را اتخاذ نموده است به گونه‌ای که ج.ا.ایران و گروه‌های تروریستی سلفی چون داعش را در یک ردیف دانسته است: «از نظر من، رژیم ایران پایدارترین تهدید نسبت به ثبات و صلح در

^۱-"The Financial Services and General Government Appropriations Act 239-185"

^۲-"Newt Gingrich"

خاورمیانه می باشد... ایران دشمن داعش نیست. آنها از آشوبی که داعش در منطقه ایجاد نموده است، بهره‌های زیادی را برده اند.» (townhall.com/columnists/ronpaul/2016/12/05)

بنابراین، همانگونه که برخی نیز به درستی اشاره نموده‌اند هدف ایالات متحده از تحت فشار قراردادن ج.ا.ایران به خاطر ماهیت برنامه هسته‌ای آن نبوده بلکه تغییر نظام در ایران، هدفی بوده است که آنها دنبال می‌کرده‌اند. از سوی دیگر، بایستی به یک موضوع مهم دیگر که معمولاً در مورد برجام مغفول می‌ماند؛ اشاره نمود و آن اینکه ایالات متحده آمریکا، برجام را بر اساس مدل معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای با اتحاد جماهیر شوروی (سابق) که سپس منجر به فروپاشی این کشور شد؛ مورد مذاکره قرار داده است. بنابراین، خود برجام نیز قابلیت تهدیدزایی برای ج.ا.ایران داشته و انتظار این وجود دارد که اقدامات خرابکارانه همچون پس از امضای معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای با شوروی، در مورد ج.ا.ایران نیز به کار گرفته شود.

۴-۳- عدم توجه برجام به تمامی قابلیت‌های تهدیدزای ایران

عدم توجه به تمامی قابلیت‌های تهدیدزای ایران یکی دیگر از استدلالاتی می‌باشد که ترامپ به منظور اخلال در برجام آن را مطرح نموده است در این راستا وی بر ویژگی‌هایی چون موقت بودن برجام و عدم دائمی بودن آن اشاره می‌نماید.^۱ از جمله دیگر موضوعات، آزادسازی زندانیان ایرانی - آمریکایی بوده است که ترامپ و مشاوران آن بر ضرورت درج آن در برجام و مذاکره مجدد تاکید می‌نمایند. موضوع عدم توجه برجام به تمامی قابلیت‌های تهدیدزای ایران، موضوعی است که مورد صحنه دموکرات‌ها نیز قرار گرفته است از جمله تیم کین^۲، معاون هیلاری کلینتون در زمان کارزارهای انتخاباتی گفت: این توافق، تمامی مسایل برجسته با یک رژیم متخاصم را حل و فصل نمی‌کند. در این معنا، این توافق به معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای است که رییس جمهور کندی در میانه جنگ سرد با شوروی (سابق) مورد مذاکره قرار داد. حمایت ایران از تروریسم همچنان یک نگرانی عمده می‌باشد و ما می‌بایستی همچنان تلاش‌هایمان را با متحدان منطقه‌ای برای مقابله با فعالیت‌های شرورانه آن افزایش دهیم.

۴-۴- اعطای امتیازات پنهانی به جمهوری اسلامی ایران

^۱ - بر اساس بند ۵ قسمت الف متن برجام برای نمونه تاکید شده است: «ایران بر اساس برنامه بلندمدت خود برای ۱۵ سال، فعالیت‌های مرتبط با غنی سازی اورانیوم از جمله تحقیق و توسعه تحت نظارت پادمانی خود را صرفاً در تاسیسات غنی سازی نظیر انجام خواهد داد، سطح غنی سازی اورانیوم خود را تا سقف ۳.۶۷ درصد نگه خواهد داشت و در فردو از هرگونه غنی سازی خودداری خواهد نمود.»

^۲-Tim Kaine

یکی دیگر از استدلال‌های ضرورت اخلال در برجام به استدلال‌های گروهی از جمهوری خواهان و ترامپ مبنی بر توافق پنهانی ایالات متحده و ج.ا.ایران مبنی بر اعطای امتیازات خاص به ج.ا.ایران که در برجام ذکر نشده است در راستای توسعه برنامه هسته‌ای ایران باز می‌گردد. از جمله پل رایان^۱، رییس مجلس نمایندگان ایالات متحده پس از حمایت ایالات متحده از رفع تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد از دو بانک ایرانی ادعا نمود که: «این امتیازات اضافی مخفی مستقیماً امنیت ملی ما را به مخاطره انداخته و تردیدهای بیشتری را در ارتباط با این توافق مبهم ایجاد می‌نماید.» (<http://sputniknews.com/world/2016>)

۵- ابعاد تاثیرگذاری سیاست‌های ترامپ بر روی نظام‌های امنیتی داخلی ایالات متحده و بین-

المللی

اگرچه موضوع اصلی این تحقیق در ارتباط با تاثیرات روی کارآمدن ترامپ بر موجودیت برجام بوده و از این رو، بایستی ارتباطات مستقیم آن با ج.ا.ایران مورد بررسی قرار گیرد اما با توجه به اینکه این روی کارآمدن در سطح نظام امنیتی داخلی ایالات متحده آمریکا و نیز نظام بین-المللی می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌هایی برای ج.ا.ایران فراهم نماید که اگرچه برخی از آنها به صورت مستقیم قابل رویت نباشد اما از لحاظ اهمیت، ارزش و اعتبار کمتری نسبت به تاثیرات مستقیم ندارند.

۵-۱- مشکلات مربوط به امنیت داخلی آمریکا

تاثیر روی کارآمدن ترامپ بر برجام از منظر امنیت داخلی خود ایالات متحده نیز قابل تحلیل و بررسی می‌باشد. بایستی توجه داشت که از لحاظ حقوقی، مشکل صرفاً روی کارآمدن ترامپ نیست بلکه از جنبه‌های ایالتی نیز می‌توان به این موضوع نگاه نمود برای نمونه بر اساس حکم شماره U.S. 491 552 دیوان عالی ایالات متحده در قضیه مدلین و تگزاس، دولت فدرال ایالات متحده حق ندارد ایالات را ملتزم به اجرای پیمان‌های بین‌المللی نماید مگر با مصوبه کنگره ایالات متحده. بنابراین، در فقدان این مصوبه، ایالت‌های آمریکا تعهدی به اجرای برجام نداشته و بسیاری از تحریم‌های هسته‌ای ایران که توسط ایالت‌های آمریکا وضع شده است؛ کماکان در محدوده آن ایالات لازم‌الاتباع می‌باشد. البته در متن برجام تاکید شده است که «چنانچه قانونی در سطح ایالتی یا محلی در ایالات متحده مانع از اجرای لغو تحریم‌های مشخص شده در این

^۱-Paul Ryan

برجام شود، ایالات متحده با در نظر گرفتن تمامی اختیارات موجود، گام‌های مقتضی را به منظور تحقق اجرای مزبور اتخاذ خواهد نمود. ایالات متحده به طور فعال، مقامات در سطح ایالتی یا محلی را تشویق خواهد نمود که تغییرات در سیاست ایالات متحده منعکس شده در لغو تحریم‌های وفق این برجام را در نظر داشته و از اقداماتی که با این تغییر در سیاست همخوانی ندارد؛ خودداری نماید.» همچنین تاکید شده است که «گروه ۱+۵ هیچ تحریم یا اقدام محدودیت‌ساز را نسبت به افراد و یا نهادها به دلیل مبادرت به فعالیت‌هایی که مشمول لغو تحریم‌های مندرج در این برجام شده است، اعمال نخواهند کرد مشروط بر اینکه این فعالیت‌ها با سایر قوانین و مقررات جاری گروه ۱+۵ منطبق باشد.»

۲-۵- انشقاق در انسجام ملی در آمریکا نسبت به سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا.ایران در این راستا، پس از انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، حتی مشاوران و نزدیکان وی نیز مختل کردن برجام در شرایط کنونی را امکان‌پذیر نمی‌دانند و این عمل را منجر به انزوای ایالات متحده و دستاویزی برای ایران به منظور اعمال فشار بر ایالات متحده می‌دانند. برای نمونه استفان هادلی، مشاور امنیت ملی در دوران ریاست جمهوری جرج بوش پسر تصریح داشته است: «اینکه شماری از مردم که منتقد توافق هسته‌ای ایران هستند و در بیرون از اینجا پاره کردن آن را ندا می‌دهند؛ پاسخ نمی‌باشد.» (www.bloomberg.com/news/articles/2016-12-02) پس از روی کار آمدن ترامپ، ۷۰ کارشناس آمریکایی با امضای طوماری از ترامپ خواستند تا با توجه به آنچه که آنها کاستن از امکان یک جنگ در خاورمیانه به عنوان نتیجه اصلی برجام می‌دانستند؛ توافق هسته‌ای با ایران را حفظ نماید. (www.nytimes.com/2016/11/15) در این میان، دسته‌ای دیگر از سناتورهای آمریکایی نیز می‌باشند که برای پاره کردن یا بی اثر کردن برجام نیازی به اقدام از سوی ترامپ نمی‌باشد، از جمله سناتور باب کروکر که نامش به عنوان گزینه وزیر امور خارجه ترامپ نیز مطرح بود؛ گفته است که وی فکر نمی‌کند که ترامپ بایستی برجام را ترک کرده یا آن را مختل نماید، بلکه خود ج.ا.ایران «به مرور زمان آن توافق را معلق خواهد ساخت.» (https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-12-02) در ادامه نیز، سنای آمریکای طرح تحریم‌های ایران موسوم به ایسا (H.R.6297) را با ۹۹ رای مثبت برای ده سال دیگر تمدید نمود. این تمدید تحریم‌ها از نظر برخی تحلیلگران ایجاد شرایطی است که در پی آن ایران خود برجام را نقض نماید.

۳-۵- انزوای سیاسی ایالات متحده آمریکا

اصلی‌ترین چالشی که از بعد سیاسی، تهدیدات ترامپ را متوجه می‌نماید؛ انزوای سیاسی ایالات متحده خواهد بود که این امر فرصتی بی‌بدیل البته در اختیار ج.ا.ایران قرار خواهد داد تا با اتکای آن بر یکجانبه‌گرایی و مشروع نبودن اعمال آمریکا تکیه نماید. این در حالی است که سایر طرفین برجام از جمله متحدین اروپایی ایالات متحده از نادیده گرفتن برجام توسط ترامپ اظهار نگرانی شدید کرده و اعلان کردند که یک طرف نمی‌تواند به صورت یکجانبه اقدام به نقض توافق نماید. از جمله ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا خواستار مشورت با ترامپ برای بازنگری در اظهارنظرش راجع به برجام به دلیل آنکه بریتانیا، «تلاش دیپلماتیک قابل توجهی» را برای رسیدن به برجام نموده و اهمیت زیادی برای آن قایل است؛ شد. (www.independent.co.uk/news)

همچنین، وزیر امور خارجه چین، وانگ یی نیز با اشاره به اینکه اجرای برجام، «مسئولیت و تکلیف مشترک تمامی طرفین بوده» و «نمی‌بایستی تحت تاثیر هر نوع تغییراتی در اوضاع داخلی کشورهای مورد نظر قرار بگیرد»، بر غیرقانونی بودن هرگونه اقدام احتمالی ترامپ در اختلال در برجام و امکان انزوای سیاسی ایالات متحده تاکید نمود. بدیهی است که همانطور که در بخش حقوقی اشاره شد، استدلال‌های ترامپ از منظر حقوق بین‌الملل به هیچ وجه قابلیت استناد ندارد و حتی بر اساس بند ۲۸ برجام «گروه ۱+۵ و ج.ا.ایران متعهد هستند که برجام را با حسن نیت و در فضایی سازنده، بر مبنای احترام متقابل اجراء نمایند و از هرگونه اقدام مغایر با نص، روح و نیت این برجام که اجرای موفقیت آمیز آن را مختل سازد، خودداری کنند.» همچنین مطابق با بند ۲۹ برجام: «اتحادیه اروپایی و دولت‌های عضو و همچنین ایالات متحده آمریکا، منطبق با قوانین خود، از هرگونه سیاست با هدف خاص تاثیرگذاری خصمانه و مستقیم بر عادی سازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران، در تعارض با تعهداتشان مبنی بر عدم اختلال در اجرای موفقیت آمیز برجام خودداری خواهند کرد.»

۴-۵- چالش‌های حقوقی داخلی سیاست ترامپ بر برجام

بر مبنای حقوق داخلی ایالات متحده، موافقت نامه‌های بین‌المللی به دو دسته موافقت نامه‌های حقوقی و موافقت نامه‌های اجرایی تقسیم بندی می‌شوند. موافقت نامه‌های حقوقی، موافقت نامه‌هایی هستند که بسته به مورد برای تایید به کنگره ایالات متحده فرستاده می‌شود در حالی که موافقت نامه‌های اجرایی^۱ در اختیار ریاست جمهوری آمریکا بوده و اصولاً نیازی به تایید

^۱-Executive Agreements

کنگره ندارد.^۱ در کنار این دو دسته تقسیم بندی، دسته‌ای دیگر از اسناد بین‌المللی که دولت اوپاما به نادرستی تلاش می‌کند تا برجام نیز بتواند در زمره آن بگنجد، اعلامیه‌های حاوی تعهدات سیاسی می‌باشند. اگرچه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، دربردارنده ماده‌ای نمی‌باشد که به صراحت اختیار انعقاد موافقت‌نامه‌های اجرایی را به ریاست جمهوری داده باشد و بالعکس امضای ریاست جمهوری را مشروط بر موافقت کنگره می‌داند (ماده دو بخش ۲ قانون اساسی)، اما بر مبنای نظر دیوان عالی ایالات متحده در ۱۹۳۷، موافقت‌نامه‌های اجرایی تنها در اختیار مقام ریاست جمهوری بوده و از اعتبار برابر با معاهدات بین‌المللی برخوردارند و اینکه موافقت‌نامه‌های اجرایی توسط قوه مجریه و ریاست جمهوری ایالات متحده به امضاء رسیده و لازم الاجراء می‌گردد نبایستی هرگز به معنای کم اهمیت بودن آن جلوه نماید بلکه بالعکس برخی از موافقت‌نامه‌های مزبور از لحاظ ماهیتی و تاریخی بسیار مهمتر از معاهدات بین‌المللی بوده‌اند. از جمله در ۱۹۹۲، جورج بوش پدر یک موافقت‌نامه‌های اجرایی با کانادا و مرکز یک امضاء نمود که تجار تازه‌اند در میان سه کشور رازط ریک کاهش تعرفه‌های داخل بر کالاها یوارداتی تسهیلی نمود.

این موافقت‌نامه‌های اجرایی که سه‌سپس به موافقت‌نامه‌های تجار تازه‌آدمریکا شمالی (نفتا) معروف شد، اساس شکل‌گیری یک همکاری مهم تجاری و اقتصادی منطقه‌ای در آمریکا و شمالی را فراهم ساخت. (Jenda et al., 2006: 617-621) از لحاظ حقوق اساسی ایالات متحده، موافقت‌نامه‌های اجرایی به دو بخش موافقت‌نامه‌های اجرایی صرف^۲ و موافقت‌نامه‌های اجرایی-کنگره‌ای^۳ تقسیم می‌شوند. موافقت‌نامه‌های اجرایی صرف، آن دسته از موافقت‌نامه‌های اجرایی هستند که تنها ریاست جمهور می‌تواند وارد مذاکره شده و بر مبنای اختیارات ذاتی این مقام، لازم الاجراء می‌گردد. این دسته از موافقت‌نامه‌های اجرایی معمولاً موضوعاتی را در بر می‌گیرند که منافع عالی کشور ایالات متحده را در بر نمی‌گیرند از جمله موافقت‌نامه‌های راجع به اجاره اموال دولتی، آتش بس در حین تخصصات، همکاری‌های علمی و فناوری اطلاعات با این حال، اگر چه این موافقت‌نامه‌ها نیاز به تصویب کنگره ندارند اما از سال ۱۹۷۲، متن موافقت‌نامه‌های اجرایی صرف بایستی به

^۱ بر طبق نتایج مطالعه سال ۲۰۰۹ دانشگاه میشیگان ایالات متحده، ۵۲ درصد از توافقات بین‌المللی ایالات متحده در فاصله سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۸۹، موافقت‌نامه‌های اجرایی بوده‌اند. این در حالی است که از ۱۹۳۹ تا ۱۹۸۹، این میزان به ۹۴.۳ درصد افزایش یافته است که نشان دهنده نقش بیشتر قوه مجریه ایالات متحده در انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی می‌باشد.

^۲-Sole Executive Agreements

^۳-Congressional-Executive Agreements

اطلاع کنگره برسد. دسته دوم موافقت نامه‌های اجرایی، موافقت نامه‌های اجرایی-کنگره‌ای می‌باشند که موافقت نامه‌های اجرایی است که مقام ریاست جمهوری بر اساس قانونی که کنگره بدان در مورد خاصی، تفویض اختیار کرده است، آن را مورد مذاکره و امضاء قرار می‌دهد.

وزارت خارجه ایالات متحده در پاسخ به نامه مایک پومپئو، از اعضای جمهوری خواه مجلس نمایندگان که برجام را بدون امضاء به کنگره ارسال کرده بود، اظهار نمود: «برجام یک معاهده یا یک موافقت نامه اجرایی نیست و یک سند امضاء شده نمی‌باشد. برجام منعکس کننده تعهدات سیاسی بین ایران، ۱+۵ و اتحادیه اروپایی می‌باشد... موفقیت برجام نه به این موضوع بستگی دارد که آیا قانوناً الزام آور بوده یا بایستی امضاء شود بلکه در مقابل به ساز و کارهای گسترده بازرسی متکی می‌باشد که ما عملاً قرار داده‌ایم به علاوه فهم ایران از این موضوع که ما از توان برقراری مجدد و تشدید تحریم‌هایمان در صورتی که ایران تعهداتش را محقق نسازد؛ برخورداریم.» (<https://www.lawfareblog.com>) با این حال، به نظر نمی‌رسد که استدلال وزارت امور خارجه ایالات متحده بر اساس حقوق داخلی ایالات متحده صحیح باشد چرا که در سال ۲۰۱۵، قانون بازنگری موافقت نامه هسته‌ای ایران^۱ از سوی کنگره آمریکا به تصویب رسید که به کنگره این حق را می‌داد که به منظور بازداشتن ایران از دستیابی به توان هسته‌ای، هرگونه توافقی را که در گفتگوهای ۱+۵ با ایران بدست آمده است؛ در فرجه زمانی ۶۰ روزه مورد بازنگری قرار دهد. بنابراین از این منظر، بایستی برجام را یک موافقت نامه اجرایی-کنگره‌ای دانست که صرفاً با اراده مقام ریاست جمهوری ایالات متحده نقض نشده بلکه تصویب کنگره ایالات متحده را نیز نیازمند است چرا که هم اکنون برجام برای ایالات متحده تبدیل به یک قانون الزام آور داخلی شده است. همچنین، مطرح کنندگان طرح قانون بازنگری موافقت نامه هسته‌ای ایران، آن را بر اساس بخش ۱۲۳ قانون انرژی هسته‌ای ایالات متحده در مورد موافقت نامه‌های همکاری هسته‌ای که یک نوع از موافقت نامه‌های اجرایی-کنگره‌ای محسوب می‌گردد؛ مطرح نمودند. نتیجتاً، این مطلب استنتاج می‌گردد که در صورت نقض یکجانبه برجام توسط ترامپ در مقام ریاست

^۱-The Iran Nuclear Agreement Review Act of 2015

جمهوری بدون تصویب کنگره، حتی وی از منظر حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا واجد مسئولیت تلقی خواهد شد.^۱

۶- تاثیرات امنیتی سیاست ترامپ بر برجام از بعد بین‌المللی

از بعد بین‌المللی نیز می‌توان تاثیرات روی کارآمدن ترامپ بر برجام را مورد نظر قرار داد. در این راستا، در سه بخش حقوقی بین‌المللی، سیاست بین‌المللی و امور نظامی به تاثیرات روی کار آمدن ترامپ بر برجام خواهیم پرداخت. بدیهی است که این تاثیرات محدود به این موارد نبوده بلکه می‌تواند از جنبه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی نیز مدنظر قرار بگیرد که به علت محدودیت چارچوب بحث به امور امنیتی و سیاسی، از پرداختن بدان‌ها خودداری می‌گردد.

۶-۱- تاثیرات امنیتی اخلال در برجام توسط ترامپ از بعد حقوقی بین‌المللی

تاثیرات امنیتی اخلال در برجام توسط ترامپ از منظر حقوقی یکی از موضوعاتی است که هم از منظر حقوق داخلی و هم از منظر حقوق بین‌الملل قابلیت بررسی دارد. برجام یک توافق هسته‌ای دو جانبه نبوده و میان هفت دولت به امضاء رسیده است و بنابراین بر مبنای کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات با اراده یک دولت، از بین نخواهد رفت. ترامپ و تیم مشاوران وی نشان داده‌اند که هیچ ارزشی برای قواعد حقوقی بین‌المللی و تعهدات حقوقی دولت ایالات متحده در این راستا در نظر ندارند. این مساله نه فقط در موضوع برجام بلکه در سایر مسایل بین‌المللی از جمله مذاکره مجدد توافق نامه تغییرات آب و هوایی پاریس، خروج از موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی، معاهده دفاعی ایالات متحده-ژاپن و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اعتقاد به اینکه انجام هر عمل غیرقانونی در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه، قانونی می‌باشد هر چند که به دنبال انتقادات شدید حتی از سوی مقامات نظامی خود ایالات متحده در برخی از این مواضع، سپس تعدیلاتی را انجام داده است. ([https://www.theguardian.com/us-](https://www.theguardian.com/us-news/2016) news/2016) بر مبنای ماده ۲۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات که مقرر می‌دارد: بر مبنای ماده ۱۰۳ «در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و

^۱ - یکی از مشکلات اساسی نظام قانون گذاری ایالات متحده آمریکا در ارتباط با معاهدات بین‌المللی در مورد ساختار مجلس سنا می‌باشد. به طوری که برخلاف مجلس نمایندگان، در مجلس سنا هر ایالت از دو نماینده برخوردار می‌باشد و بنابراین برای نمونه ایالت کالیفرنیا که جمعیت آن برابر با ۲۲ ایالت آمریکا با کمترین سکنه است، بایستی ۲ سناتور داشته باشد. این مشکل موجب می‌گردد که نمایندگان ایالات کوچک تر که عموماً اطلاعات کمتری از جامعه و حقوق بین‌المللی دارند، در فرآیند تصویب معاهدات بین‌المللی قرار بگیرند.

تعهدات آنها بر طبق هر موافقت نامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود.» بر طبق تفسیری که از ماده ۱۰۳ به عمل آمده است، ماده ۱۰۳ نه یک قاعده صرفاً داخلی سازمان ملل متحد بوده بلکه امروزه تعهدات به موجب منشور ملل متحد از جمله تصمیمات فصل هفتمی شورای امنیت را در راس سلسله مراتب منابع حقوق بین‌الملل عمومی قرار می‌دهد. (Corten and Klein, 2011) همچنین، حق یک جانبه ریاست جمهوری آمریکا برای خروج از یک معاهده بین‌المللی قبلاً از سوی رویه قضایی داخلی ایالات متحده رد شده است به گونه‌ای که در قضیه *گولد واتر در مقابل کارتر*^۱، از خاتمه یک جانبه معاهده دفاعی میان ایالات متحده و تایوان جلوگیری به عمل آمد.

۶-۲- امکان اعمال تحریم‌های بیشتر در سایر زمینه‌های مرتبط

روی کارآمدن ترامپ، امکان اعمال تحریم‌های بیشتر به نحوی که اجرای برجام را با اختلال مواجه سازد؛ بسیار محتمل ساخته است. برخی از تحلیلگران آمریکایی نیز با مخالفت با اعمال تحریم‌های جدید پیشنهاد نموده‌اند که با توجه به اختلافات داخلی در ایران مبنی بر امکان یا عدم امکان برداشتن تمامی تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای، ترامپ بایستی از این اختلافات به نحو مطلوب برای پیشبرد اهداف و منافع ایالات متحده استفاده کند. (<http://www.nytimes.com/2016/11/18>) البته امکان اعمال تحریم‌های بیشتر بین‌المللی نیز علی‌رغم احتمال کم وجود دارد و در این راستا می‌توان به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت صحبت نمود که صحبت از بازگشت پذیری خودکار تحریم‌ها علیه ج.ا.ایران در صورت عدم انجام تعهدات خود به موجب برجام می‌نماید.

۶-۲-۱- تلاش برای انعقاد برجام دو و سه

تلاش برای انعقاد برجام دو و سه در زمینه‌های موشک‌های بالستیک و حقوق بشر، موضوعی است که پس از انعقاد برجام یک، از سوی برخی از تحلیلگران پیش‌بینی می‌گردد. هر چند با توجه به تاکید ترامپ مبنی بر ترک میز مذاکره با ایران و ضرورت اعمال تحریم‌های بیشتر، و همین‌طور موضع قاطع ایران مبنی بر عدم امکان مذاکره در برنامه موشکی، به نظر نمی‌رسد که در دوران ترامپ، شاهد انعقاد برجام دو و سه حداقل با مشارکت ایالات متحده باشیم. با این حال، ضرورت تلاش برای انعقاد موافقت‌نامه‌هایی چندجانبه به ویژه برای کنترل موشک‌های بالستیک

^۱-Goldwater V Carter

ایران از سوی آمریکا و غرب از آنجا مشهودتر می‌گردد که با پیشرفت‌های نظامی چند سال گذشته، برد نهایی برخی از انواع موشک‌های بالستیک ج.ا.ایران چون شهاب-۴ و شهاب-۵، امکان تهدید قلمروی سرزمینی ایالات متحده را نیز فراهم می‌سازد. همچنین پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در کشورهای اطراف به ویژه کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس نیز در تیررس موشک‌های ایرانی قرار دارد که این موضوع تهدیدات موشکی ج.ا.ایران را دو چندان می‌کند.

۳-۶- تأثیراتی امنیتی اخلاص در برجام توسط ترامپ از بعد سیاسی بین‌المللی

از بعد سیاسی، تهدیدات ترامپ نسبت به اخلاص در برجام بر مبنای مکتب رئالیسم تهاجمی قابلیت تحلیل دارد. عناصر اصلی رئالیسم تهاجمی بر چهار محور استوار است: ۱- کسب بقاء منوط به اتخاذ وضعیت تهاجمی است؛ ۲- رئالیست‌های تهاجمی به تنش زدایی نیز اعتقادی ندارند و از منظر آنها، تنش زدایی‌هایی که در روابط بین‌الملل وجود دارد صرفاً به منزله ایجاد فرصت و فضای تنفسی برای دولت‌ها بود که به آنها اجازه می‌داد تا به موقعیت مطلوبی دست یابند؛ ۳- دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت نسبی خود در نظام بین‌الملل هستند و در این چارچوب تلاش می‌کنند تا قدرت رقیبان خود را کاهش دهند؛ ۴- رئالیسم تهاجمی معتقد است که به دلیل آنارشیک بودن سیاست بین‌المللی، دولت‌ها هرگز نمی‌توانند به دلیل داشتن قدرت کافی، دست از تلاش بکشند.

۳-۶-۱- تشدید ایران هراسی در منطقه و جهان

ایران هراسی، برنامه راهبردی ایالات متحده و هم پیمانان آن است تا ایران، تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی تلقی شود و با سیاست ایجاد هراس و تغییر رفتار بازیگران نظام بین‌الملل در قبال ایران، به دنبال تضعیف و تخریب و به حاشیه راندن جمهوری اسلامی است. یکی از شیوه‌های ایالات متحده در تحقق پروژه ایران هراسی، ایجاد عملیات روانی از طریق تبلیغات منفی، هیاهو و جنجال‌های رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران است^۱ (ملک محمدی و داوودی، ۱۳۹۱: ۲۲۸-۲۲۹) که در مبارزات انتخاباتی اخیر ایالات متحده توسط دونالد ترامپ به اوج خود رسید. گفتمان ترامپ در مورد ج.ا.ایران را به طور کلی می‌توان ادامه دهنده گفتمان جورج بوش پسر مبنی بر تلقی کردن ج.ا.ایران به عنوان یکی از کشورهای

^۱-Axis of Evil

«محور شرارت»^۱ دانست. دونالد ترامپ در رقابت با هیلاری کلینتون بر سر مساله ایران هراسی، با طرح اتهاماتی واهی نظیر حمایت ایران از تروریسم به دنبال جلب حمایت رژیم صهیونیستی و لابی‌های صهیونیستی درون ساختار حکومتی آمریکا است، به همین سبب با انتقاد از دولت اوباما به دلیل توافق هسته‌ای با ایران به دنبال طرح این نکته است که این توافق باعث تقویت ایران در جهت اهداف منطقه‌ای خود شده است. یکی از ابعاد مهم ایران هراسی در منطقه ترامپ، به قصد وی برای اخلال در امنیت اقتصادی ج.ا.ایران از جمله موافقت نامه‌های همکاری اقتصادی باز می‌گردد. برای نمونه در مه ۲۰۱۶ به دنبال بازدید مودی^۲، نخست وزیر هند از ایران یک موافقت نامه مشارکت اقتصادی میان هند و ج.ا.ایران در ارتباط با توسعه بندر چابهار به امضاء رسید که این چنین ایران هراسی‌ها، نگرانی‌های زیادی را در میان تجار و بازرگانان هندی برای سرمایه گذاری در این بندر ایجاد نموده است. ایران هراسی ترامپ به اشکال مختلفی به چشم می‌خورد برای نمونه وی خواستار تعلیق برنامه‌های مهاجرت از کشورهایی مانند ایران شده است که به لحاظ ادعایی، «به تروریسم مرتبط می‌باشند».

۳-۲-۶- تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای ضد محور مقاومت

تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای ضد محور مقاومت و تشدید در جریان ایجاد آن، یکی دیگر از پیامدهای روی کار آمدن ترامپ بر روی برجام و بالتبع آن ج.ا.ایران خواهد بود. البته تلاش برای ایجاد چنین ائتلافی از پیشینه‌ای نسبتاً تاریخی نیز برخوردار می‌باشد چرا که «عدم شناخت و بدفهمی دولت‌های عربی منطقه از اصول و مبانی انقلاب اسلامی از یک سو و ماهیت غیردموکراتیک و محافظه کار این کشورها، موجب رویکرد تهاجمی و خصمانه نسبت به انقلاب اسلامی و سیاست خارجی منبعث از آن گردیده است.» (آدمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۵) به اعتقاد رهبران و نخبگان سیاسی کشورهای عرب، پیروزی نسبی حزب الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی و شکستن تابوی تل آویو، در واقع کمر بند طلایی خصب را با ژئوپلتیک شیعی ایران و عراق پیوند داده و موازنه موجود را پس از ترتیبات امنیتی ۱۹۹۱ به هم ریخته است و نوعی موازنه برتر را به نفع ایران ایجاد نموده است. این امر از یک طرف موجب عدم اتخاذ راهبرد جدی اعراب علیه ایران شده و از طرف دیگر، دست باز ایران در عراق و لبنان در واقع تلاش در جهت به چالش کشیدن جهان اهل سنت و آمریکا تلقی می‌شود که ایجاد ائتلافی منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را

^۱-Axis of Evil

^۲-Modi

علیه ج.ا.ایران اجتناب ناپذیر می‌نماید. البته تلاش برای ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای ضد محور مقاومت، موضوع تازه‌ای نیست کما اینکه همواره در بیشتر دیدارهای دو یا چند جانبه نهان یا آشکار سردمداران آمریکا، انگلیس، فرانسه و رژیم صهیونیستی با سران عرب منطقه، بر لزوم تشکیل جبهه واحدی از اعراب میانه رو علیه ج.ا.ایران تاکید شده است. ضرورت تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای ضد محور مقاومت در زمان ترامپ از آن رو بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد که وی مخالف هزینه کرد بخش عمده‌ای از سازمان‌های بین‌المللی دفاعی و امنیتی از جمله ناتو از سوی ایالات متحده و بر عهده گرفته شدن این هزینه‌ها از سوی سایر دولت‌ها می‌باشد. از جمله ترامپ در این ارتباط گفته است: «من در حال مذاکره بر روی برخی از هزینه‌های نظامی مان هستم به این دلیل که ما از کره جنوبی محافظت می‌کنیم. ما از آلمان حفاظت می‌کنیم. ما از برخی کشور-های ثروتمند و عربستان سعودی حفاظت می‌نماییم. ما از هر کسی حفاظت می‌کنیم و باز پرداختی را دریافت نمی‌کنیم. ما همه چیز را باخته‌ایم به همین دلیل ما در حال مذاکره مجدد تبادلات تجاری، توافقنامه‌های نظامی و بسیاری دیگر از توافقاتی هستیم که هزینه را کاهش می‌دهد.» (<http://www.ontheissues.org/2016>)

۷- تأثیرات امنیتی بین‌المللی سیاست ترامپ بر برجام از بعد نظامی

از منظر نظامی، دیدگاه ترامپ به طور عمده مبتنی بر کاهش هزینه کرد نظامی ایالات متحده در سایر کشورها در قالب پایگاه‌های نظامی و نیز سازمان‌های بین‌المللی دفاعی به ویژه ناتو و اتکای بیشتر کشورهای متحد آمریکا بر نیروی نظامی خودشان می‌باشد. از این منظر، می‌توان نوعی عدم مداخله‌گرایی نظامی ایالات متحده در زمان ترامپ را مورد پیش بینی قرار داد.

۷-۱- مواجهه شفاف تر نظامی کشورهای عرب منتقد سیاست‌های ایران

به طور سنتی، نخبگان و توده عرب بر این اعتقاد بوده‌اند که انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، تاثیری بر سیاست‌های ایالات متحده نسبت به خاورمیانه نخواهد داشت. با این حال، تصمیم جورج بوش پسر برای حمله به عراق و ترویج ادعایی دموکراسی در منطقه خاورمیانه که البته نتیجه عکس داشته و به رشد تروریسم منجر شده است و همچنین میراث سوریه در دوران ریاست جمهوری اوباما اثبات نموده است که سیاست‌های ریاست جمهوری در ایالات متحده تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر جهان عرب دارد و در این راستا، روی کارآمدن ترامپ نیز نمی‌تواند نادیده انگاشته شود. بررسی تاریخی ارتباط حکام عربی با ایالات متحده نشانگر ارتباط نزدیک تر آنان با

روسای جمهوری خواه از جمله رونالد ریگان و جورج بوش پدر و پسر نسبت به روسای جمهوری دموکرات بوده چه آنکه در زمان تصدی روسای جمهوری جمهوری خواه، جنگ دوم خلیج فارس، ساقط شدن صدام و ... که عمده آن به درخواست حکام عربی بوده است؛ صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که تاکید ترامپ مبنی بر عدم مداخله‌گرایی نظامی ایالات متحده، امکان مواجهه شفاف تر کشورهای عرب منتقد سیاست‌های ایران را در قالب جنگ‌های نیابتی و یا حتی مقابله مستقیم فراهم نماید^۱. روابط اعراب و ج.ا.ایران در طول چند سال گذشته و به دنبال اختلافات در مورد سوریه، عراق، بحرین و یمن ابتداء به سردی و اکنون تنش آمیز گشته است. از نظر توده عرب پس از انصراف برنی سندرز از کارزارهای انتخاباتی، ترامپ گزینه مناسب تری نسبت به کلینتون بود و این امر به دلیل حمایت خانم کلینتون از حمله و اشغال عراق، نقش وی در حمله به سفارت آمریکا در بنغازی، رد پیشنهاد حمایت از عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد و ... در سال‌های گذشته بود. اگر چه ترامپ نیز به دلیل مواضع اولیه‌اش در ارتباط با ممنوعیت ورود مسلمانان به ایالات متحده و حمله به والدین یک سرباز مسلمان آمریکایی مورد خشم توده عرب قرار گرفته بود^۲ اما ادعای وی به میانجی‌گری در مذاکرات میان رژیم صهیونیستی و فلسطینیان و همچنین مخالفت با جنگ عراق به این دلیل که موجب گسترش حوزه عملیاتی القاعده و تشکیل گروه‌های تروریستی جدید چون داعش شده است و نیز ضرورت مقابله با این گروه‌های تروریستی و از همه مهمتر مقابله با تهدیدات ایران نسبت به اعراب، به وی یک چهره غیرمنفور در جهان عرب داده است.

از سوی دیگر، مواضع ترامپ نسبت به ضرورت حفظ بشار اسد در قدرت و مقابله با گروه‌های مخالف حکومت که منجر به استمرار نفوذ ج.ا.ایران در سوریه خواهد شد؛ منجر خواهد شد تا

^۱ - از جمله شیخ ال نهیان، امیر امارات متحده عربی در جریان اجلاس اضطراری اتحادیه عرب پس از حمله به سفارت عربستان در تهران (۲۰۱۶) اظهار نمود: ایران نسبت به کارت فرقه‌گرایی و دخالت در امور داخلی کشورهای عرب به عنوان شیوه‌ای برای تفوق بر منطقه، تردید ندارد و مردد نیست.

^۲ - در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ایالات متحده نیز البته انتقادات زیادی از سوی جامعه عرب آمریکایی روانه ترامپ شد به گونه‌ای که به صورت نمادین در یک بلیورد تبلیغاتی در بزرگراه ۹۴ در نزدیکی منطقه دیربورن (Dearborn) میشیگان که به جمعیت زیاد عرب معروف است؛ با عربی نوشته شده بود: «دونالد ترامپ نمی‌تواند این را بخواند اما از این می‌ترسد». پیش از این، به صورت نمادین با هدف به سخره گرفتن اسلام‌هراسی در ایالات متحده توسط ترامپ، پاکت‌هایی که با عربی بر روی آنها نوشته شده بود: «این متن، هدفی جز ترساندن آنها که از زبان عربی می‌ترسند، ندارد.» بین شهروندان برخی از ایالات آمریکا توزیع شده بود. با این حال، از بین رهبران خاورمیانه، نخستین بار این السیسی، رییس جمهور مصر به عنوان یک کشور پیشگام عرب بود که پیروزی وی را تبریک گفت.

دول عربی منتقد سیاست‌های منطقه‌ای ایران و ج.ا.ایران در عرصه تقابلات نظامی مستقیم‌تری در آینده نزدیک قرار بگیرند.^۱ همچنین، دیدگاه ترامپ مبنی بر بازنگری در قراردادهای نفتی با برخی از کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی مگر آنکه آنها نقش فعال‌تری را در زمینه مبارزه با افراطی‌گری اسلامی برعهده بگیرند، از دیگر دلالت‌هایی است که می‌توان با استناد بدان شاهد روی گردانی نسبی اعراب از ایالات متحده و غرب و توجه به ظرفیت‌های متحدساز عربی برای مقابله با تهدیدات موجود از جمله ج.ا.ایران برآمد. دیدگاه‌های ترامپ ضد اسلام‌هراسی از سوی برخی از حکام عرب که از نفوذ انقلاب اسلامی بسیار هراسان هستند، به صورت ضمنی مورد توجه قرار گرفته است چه آنکه برای نمونه رژیم‌های آل خلیفه در بحرین، رژیم آل سعود در عربستان سعودی، السیسی در مصر (اخوان المسلمین)، همگی خود را درگیر مبارزه با گروه‌های اسلام‌گرا می‌دانند که تا حدود زیادی اندیشه‌های آنان برگرفته از انقلاب اسلامی ایران بوده و به نوعی می‌توانند از گفتمان ترامپ برای سرکوب جنبش‌های مردم‌نهاد اسلامی در کشورهای خود بهره‌گیرند.

۷-۲- انفکاک در همکاری‌های نظامی روسیه و ایران

انفکاک در همکاری‌های نظامی و حتی اقتصادی ج.ا.ایران با روسیه یکی از مهمترین تأثیرات روی کارآمدن ترامپ خواهد بود. ترامپ برخلاف رویکرد تخاصم‌آمیزش نسبت به ج.ا.ایران، در ارتباط با روسیه موضع بسیار نرم‌تری را اتخاذ نموده است به گونه‌ای که صحبت از «تنظیم مجدد» سیاست‌ها ایالات متحده نسبت به روسیه و امکان مشارکت‌های راهبردی با آن کشور زده است؛ امری که می‌تواند موجبات انفکاک همکاری‌های نظامی روسیه و ایران یا تضعیف آن را فراهم نماید. لزوم انفکاک در همکاری‌های نظامی و اقتصادی روسیه و ایران، پیشنهادی است که از سوی مقامات صهیونیستی نیز داده شده است به گونه‌ای که ژنرال یاکوو آمیدرور^۲، مشاور سابق امنیت ملی نتانیاهو گفته است که نخستین اولویت رژیم صهیونیستی پس از روی کارآمدن ترامپ، بایستی همکاری با ایالات متحده در تقلیل مشارکت‌ها میان روسیه و ایران در منطقه باشد. اینگونه تلاش آغاز نیز شده است به طوری که ترامپ، رکس تیلرسون^۳، مدیر اجرایی کنونی

^۱ - وی در ارتباط با ضرورت باقی ماندن بشار اسد در قدرت در آخرین مناظره انتخاباتی با کلینتون گفته بود: من به هیچ وجه رییس جمهور بشار اسد را دوست ندارم اما اسد در حال کشتن داعش می‌باشد. روسیه در حال کشتن داعش می‌باشد و ایران در حال کشتن داعش می‌باشد.

^۲ - Yaakov Amidror

^۳ - Rex Tillerson

شرکت بهره برداری نفتی اکسون موبیل^۱ را به عنوان گزینه نهایی وزارت امور خارجه ایالات متحده که از روابط بسیار نزدیکی با پوتین برخوردار بوده و در سال ۲۰۱۳، جایزه دولتی «دوستی» را از شخص پوتین دریافت نموده است، معرفی نموده است. از جمله وی پس از امضای قرارداد توسعه بهره برداری منابع نفتی در قطب شمال با شرکت نفتی دولتی روسی که به دلیل در اختیار گرفتن کریمه توسط روسیه در ۲۰۱۴ در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفته بود؛ ضمن انتقاد از تحریم‌های مزبور، آنها را غیر موثر خوانده بود. برخی از تحلیل‌گران معتقدند که ترامپ نهایتاً از بین همکاری با روسیه و لزوم حفظ برجام که از نظر وی موجب قدرت گرفتن ایران در منطقه شده است؛ بایستی یکی را انتخاب کند و ترامپ، همکاری با روسیه را انتخاب کرده است. این چنین دیدگاهی از سوی برخی از نزدیکان ترامپ نیز مطرح شده است به طور نمونه، ژنرال جیمز ماتیس که به عنوان وزیر احتمالی دفاع ایالات متحده انتخاب خواهد شد در اظهار نظر سابق گفته بود که ایالات متحده در عوض تلاش برای مقابله با گروه‌های تروریستی چون داعش، طالبان و القاعده بایستی با مهد این گروه‌های تروریستی یعنی ج.ا.ایران وارد مقابله مستقیم شود. با این حال، به نظر می‌رسد که این چنین راهبردی حتی در صورت اتخاذ از سوی ترامپ موفقیتی نخواهد داشت چرا که مشارکت ج.ا.ایران و روسیه مبتنی بر نیازهای مشترک برای غلبه با چالش‌های پیش رو به ویژه انهدام داعش و ایجاد یک راه حل سیاسی در سوریه بوده است و انتخاب روسیه توسط ترامپ بدون در نظر گرفتن نقش ایران نهایتاً منجر خواهد شد که مساله داعش و بحران سوریه، عراق، بحرین و یمن لاینحل باقی بماند. به علاوه، روسیه نیز خود از خطر گسترش افراطی‌گری‌های اسلامی در جمهوری‌های آسیای مرکزی و برخی از مناطق خود چون چین و تاثیر آن بر فعالیت‌های اقتصادی، انرژی و جهانگردی‌اش بسیار هراسناک بوده و این مساله را به عنوان یک تهدید امنیت ملی در نظر گرفته است که بدون ج.ا.ایران قابل حل نمی‌باشد. البته نایب‌رئیس این باور را داشت که صرفاً ترامپ می‌باشد که در صدد تقلیل همکاری‌های نظامی و اقتصادی ایران و روسیه بوده است برای نمونه عربستان سعودی از طرق مختلف چون ارایه همکاری‌های انرژی و خرید تسلیحات از روسیه و ترکیه از طریق عادی سازی روابط خود با مسکو، سعی در انفکاک یا تقلیل همکاری‌های نظامی و اقتصادی ایران و روسیه بوده‌اند.

^۱-ExxonMobil

۷-۳- نزدیکی بیشتر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران

با وجود آنکه رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اصلی ایران و برجام در منطقه شمرده می‌شود اما تا زمان اعلام توافق برجام، نه تنها نتوانست جلوی موفقیت در مذاکرات و دستیابی به آن را بگیرد، بلکه نتوانست همانند گذشته حساسیت‌های منطقه‌ای بر علیه ایران را نیز برانگیزد. نتیجه این وضعیت، انزوای روزافزون رژیم صهیونیستی در بین کشورهای منطقه و حتی در سطح بین‌المللی تا قبل از تصویب و اجرای برجام بود. (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). با این حال، روی کارآمدن ترامپ موجب خواهد شد تا رژیم صهیونیستی به طور نسبی از این انزواء بیرون آمده و درصدد تامین بیشتر امنیت و صلح خود از ایالات متحده باشد. رژیم صهیونیستی با ثبات و امن و حمایت از آن یکی از منافع اصلی سیاست خارجی ایالات متحده می‌باشد.^۱ در ماه‌های پایانی ریاست جمهوری اوباما، ارتباط میان نتانیاهو و اوباما رو به سردی گذاشت به طوری که در یک سنت شکنی تاریخ سیاسی ایالات متحده، وی بدون دعوت ریاست جمهوری و تنها به دعوت کنگره ایالات متحده در این کشور حاضر و به ایراد سخنرانی پرداخت. بدیهی است با روی کارآمدن ترامپ، نتانیاهو از زمره رهبران سیاسی بود که از انتخاب شدن وی استقبال نمود.^۲ خود ترامپ نیز بارها از تاثیرات ناکارآمدی برجام بر بی ثباتی رژیم صهیونیستی اشاراتی کرده است از جمله اینکه «آنها» ایرانیان) در حال برخوردار شدن از تسلیحات هسته‌ای هستند. آنها در حال چیره شدن بر بخش - هایی از جهان هستند که باور کردنش غیرممکن است و..... این امر به یک هولوکاست هسته‌ای منجر خواهد شد.» نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز که بارها چه قبل و چه بعد از روی کارآمدن ترامپ، مواضع سرسختانه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ کرده بود پس از پیروزی ترامپ گفته است: «اسرائیل به بازداشتن ایران از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای متعهد می‌باشد. این موضوع تغییر نکرده و نخواهد کرد. تا زمانی که رییس جمهور منتخب، ترامپ باشد؛ من به

^۱ - این حمایت‌ها به صورت دوجانبه و متقابل بوده کما اینکه حمایت‌های سرمایه‌گذاران صهیونیست در جریان مبارزات انتخاباتی اخیر ایالات متحده نیز به چشم می‌خورد به گونه‌ای که مارک ربیو، یکی از نامزدهای اولیه جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، کمک‌های مالی هنگفتی را از شلدون آدلسون (Sheldon Adelson) که یک سرمایه‌گذار صهیونیستی و مالک روزنامه صهیونیستی، هایوم (Hayom) بود دریافت می‌نمود. همچنین تد کرو، یکی دیگر از نامزدان جمهوری خواهان برای ریاست جمهوری اخیر در جریان یک کنفرانس اعراب مسیحی نیز گفته بود که «آنها که از اسرائیل متنفرد از آمریکا نیز متنفردند.»

^۲ - نتانیاهو در یکی از مصاحبه‌های اولیه اش راجع به ترامپ با اشاره به اینکه پنج راه کار در ذهنش برای مختل کردن برجام وجود دارد؛ گفته بود: «رییس جمهور منتخب، ترامپ دوست خوبی برای اسرائیل خواهد بود و دو کشور امیدوارانه با یکدیگر برای مختل نمودن توافق بین‌المللی هسته‌ای با ایران همکاری خواهند نمود.»

دنبال صحبت با وی در این ارتباط هستیم که چه کاری بایستی در مورد این توافق بد انجام بدهیم» (<http://www.reuters.com/article/us-israel-usa-idUSKBN13TOTQ>) با این حال، ارزیابی‌های نهادهای اطلاعاتی و نظامی رژیم صهیونیستی و عربی نشانگر موفقیت آمیز برجام در کاهش تهدیدات ایران نسبت به این سرزمین‌ها بوده است. برای نمونه، ژنرال گادی آیسن کوت^۱، یک مقام ارشد نظامی صهیونیستی در طول یک همایش در تل‌آویو اظهار نموده بود: «برجام، جدی‌ترین خطر نسبت به موجودیت اسرائیل را برای آینده پیش بینی پذیری به صورت عینی و واقعی رفع نمود و این تهدید را برای طولانی مدت تقلیل زیادی داد.» در تازه‌ترین اظهار نظرات، وزیر دفاع ایران، سردار دهقان، ضمن تاکید بر این امر که احتمال آنکه دونالد ترامپ، مسیر متفاوتی را در ارتباط با برجام اتخاذ نماید، موجب ناامنی مخصوصاً در بین کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس شده است؛ تهدید نمود که در صورت جنگ افروزی ترامپ در خاورمیانه، رژیم صهیونیستی نابود خواهد شد. بنا بر نظر تحلیلگران صهیونیستی و غربی، می‌بایستی تلاش عمده رژیم صهیونیستی پس از روی کار آمدن ترامپ، تغییر نگاه ایالات متحده به ایران باشد به نحوی که در حالی که راهبرد اوباما، مشارکت دهی ج.ا.ایران و ترغیب آن به خروج از انزوای منطقه‌ای از طریق برجام بود، رژیم صهیونیستی بایستی ترامپ را مجاب به بازنگری در نگاه ایالات متحده به ایران نموده به نحوی که ایران مجدداً به عنوان یک ترویج دهنده بی‌ثباتی در منطقه دیده شود. به عبارتی دیگر، ج.ا.ایران به جای آنکه به عنوان بخشی از راه حل دیده شود بایستی به عنوان بخشی از مشکل مدنظر قرار بگیرد.

۸- تأثیرات سیاست ترامپ بر برجام از منظر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران

تا این بخش، تأثیرات غیرمستقیم سیاست‌های ترامپ بر روی برجام و ج.ا.ایران مورد تاکید قرار گرفت. اما در این بخش می‌خواهیم به این موضوع بپردازیم که تأثیرات مستقیم روی کار آمدن ترامپ بر روی جمهوری اسلامی ایران به چه نحو قابلیت ارزیابی دارد. در این راستا، سه تأثیر امنیتی داخلی جمهوری اسلامی ایران از سیاست ترامپ بر برجام عبارتند از تلاش برای نقض اولیه برجام توسط جمهوری اسلامی ایران، بالاکلیفی گشایش‌های تجاری و اقتصادی خارجی در ایران و امکان بازگشت جمهوری اسلامی ایران به برنامه هسته‌ای خود.

^۱-Gadi Eisenkot

۸-۱- تلاش برای نقض اولیه برجام توسط جمهوری اسلامی ایران

یکی از تلاش‌های اصلی ترامپ در زمینه اخراج در برجام آن است که وی با تهدیدات خود، ج.ا.ایران را وادار به نقض اولیه برجام نماید تا سپس اقدامات و تهدیدات خود را بر مبنای دستاویز «اقدامات متقابل» توجیه نماید. در این خصوص، ترامپ و همکاران وی تلاش خواهند نمود تا بر انجام آزمایش‌های موشک بالستیک ایران و افزایش توانمندی در این حوزه به عنوان نقض اولیه برجام، تاکید بیشتری نسبت به دولت قبل داشته باشند تا بر مبنای آن، توجیهات حقوقی بهتری را برای موجه جلوه دادن تهدیدات خود در زمینه محدود کردن به ویژه سرمایه گذاری خارجی در ایران داشته باشند. نقض اولیه برجام از سوی ج.ا.ایران از یک جهت دیگر نیز برای ترامپ واجد اهمیت می‌باشد چرا که در صورت نقض اولیه برجام توسط ترامپ، امکان اعمال تحریم‌های فراگیر به مانند قبل از دوران برجام علیه ج.ا.ایران وجود نخواهد داشت و لذا اقدام تخلف آمیز اولیه ج.ا.ایران در نقض برجام به ترامپ این اجازه را خواهد داد تا در صورت بازگشت پذیری ج.ا.ایران به برنامه هسته‌ای سابق خود، به نفع تحریم‌های فراگیر چندجانبه استدلال نماید. به علت گفتمان ترامپ بر ضرورت انجام مذاکرات با کره شمالی به عنوان یکی دیگر از قدرتهای هسته‌ای منطقه‌ای، نقض اولیه برجام توسط ج.ا.ایران واجد اهمیت می‌گردد چرا که در صورت نقض اولیه توسط ایالات متحده، کره شمالی نیز تمایل چندانی برای انجام مذاکره با ایالات متحده در مورد برنامه هسته‌ای اش نخواهد داشت.

۸-۲- بلاتکلیفی گشایش‌های تجاری و اقتصادی خارجی در ایران

با انجام توافق برجام و رفع تدریجی تحریم‌ها و موانع تجاری و حضور مستمر هیئت‌های تجاری از اقصی نقاط جهان به خصوص کشورهای اروپایی به ایران و بررسی وضعیت اقتصادی و توانمندی های تجاری ایران، بسیاری از کشورها برای پیگیری توافقات و حضور دائم در بازار ایران اقدام به تاسیس دفاتر تجاری و توسعه روابط تجاری و اقتصادی خود نموده‌اند (کمالی اردکانی، ۱۳۹۵: ۷۶)، به طوریکه قراردادهای اخیر نفتی (توتال)، هواپیمایی (ایرباس)، که ۱۰ درصد از سهام آن آمریکایی است، بیمه‌ای (ساجه ایتالیا و کوفاس فرانسه) و خودروسازی با شرکت‌های مطرح بین-المللی از دستاوردهای مهم رفع تحریم‌ها و تنظیم قراردادهای مشروط به جذب سرمایه گذاری طرف قرارداد در داخل کشور بوده و امکان سرمایه گذاری و فعالیت در صنعت توریسم و جذب گردشگران خارجی که ضمن ایجاد فرصت‌های اقتصادی، تبادل فرهنگی، انتقال ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی و افزایش قدرت نرم ایران را فراهم می‌آورد. (موسوی شفقائی و نقدی، ۱۳۹۴: ۴۶)

این فرصت‌های مهم اقتصادی و تجاری و گشایش‌ها در این زمینه تا حدود زیادی با روی کارآمدن ترامپ در ایالات متحده تحت الشعاع قرار خواهد گرفت به نحوی که بعضی از رهبران اروپایی، از عبارت «دوران انفعال» برای توصیف دوران ریاست جمهوری ترامپ در ایالات متحده یاد کرده‌اند. بدیهی است که تهدیدات ترامپ نسبت به اختلال در برجام، ریسک سرمایه‌گذاری بین‌المللی در ج.ا.ایران را بالاتر خواهد بود به ویژه پس از تمدید قانون تحریم‌های ۱۰ ساله ایران توسط کنگره ایالات متحده.

۸-۳- امکان بازگشت جمهوری اسلامی ایران به برنامه هسته‌ای خود

اصلی‌ترین دستاورد امنیت ملی برجام برای ایالات متحده، مسدود نمودن یا دشوار نمودن مسیر ج.ا.ایران برای دستیابی به آنچه آنها سلاح‌های هسته‌ای اطلاق می‌نمودند در کوتاه مدت؛ می‌باشد. از نظر طرفداران برجام، این سند راهبردی هر دو راه ایران برای تولید سلاح‌های هسته‌ای یعنی غنی سازی اورانیوم در سطح تولید سلاح‌های هسته‌ای از طریق بکارگیری سانترفیوژ و کاربرد پلوتونیوم را مسدود می‌نماید. به علاوه، ج.ا.ایران با کاهش ذخایر اورانیوم و حذف بیش از دو سوم از سانترفیوژهای موجود خود، موافقت نموده است تا موانع عمده‌ای را بر توسعه تسلیحات هسته‌ای در میان و بلند مدت ایجاد نماید. مهمتر از همه نظام بازرسی و ارزیابی جامعی که از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وضع شده است به طوری که تمامی تاسیسات هسته‌ای‌اش را تحت الشمول قرار می‌دهد؛ امکان توسعه برنامه هسته‌ای ایران را بسیار کند می‌نماید. در این میان، با افشای یک نامه محرمانه ج.ا.ایران به سازمان بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر توسعه برنامه غنی سازی هسته‌ای خود، نگرانی‌ها در غرب از امکان بازگشت پذیری برنامه هسته‌ای ایران حکایت دارد. در این میان، می‌توان به اظهارات الیوت انگل (Elliot Engel) یکی از ۲۵ تن از نمایندگان دموکرات که بر خلاف برجام رای داده است اشاره نمود: «اکنون ما بایستی در زمان صحبت راجع به پاره کردن توافق ایران بسیار محتاط باشیم ... به این دلیل که ما قبلاً میلیارد ها دلار برای ایران فراهم نموده و چیزهایی که ما از آنها می‌خواهیم (پاره کردن برجام)، آنها را از مسیر منحرف خواهد نمود.» (<http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016>) این گونه نگرانی در صحبت‌های برخی از مقامات آمریکایی به شکل وسیع تری به چشم می‌خورد. به نحوی که جان برن، رئیس سیا عنوان می‌کند که پاره کردن برجام می‌تواند موجب بازگشت پذیری ج.ا.ایران به برنامه هسته‌ای‌اش گردد؛ کشورهای دیگر منطقه را نیز تحریک خواهد نمود تا برنامه هسته‌ای خودشان را دنبال کنند. (<http://www.abc.net.au/news/2016-11-30>)

۹- نتیجه گیری و راهکارها

تحقیق حاضر در سه بخش، تاثیرات روی کارآمدن ترامپ بر برجام را بررسی کرده و به این پرسش پاسخ داده است که روی کارآمدن ترامپ چه تاثیرات و پیامدهایی از ابعاد سیاسی-امنیتی بر اجرای برجام و در نتیجه بر منافع ملی ایران بر جای خواهد گذاشت؟ نتایج تحقیق نشان می-دهد که روی کارآمدن ترامپ تاثیراتی چون انشقاق در انسجام ملی در آمریکا نسبت به سیاست-های منطقه‌ای و بین‌المللی ج.ا.ایران، انزوای سیاسی ایالات متحده، احتمال مسئول تلقی شدن ترامپ از منظر حقوق داخلی ایالات متحده، امکان اعمال تحریم‌های بیشتر در سایر زمینه‌ها علیه ج.ا.ایران، تلاش برای تحمیل برجام دو و سه بر ج.ا.ایران، مواجهه نظامی شفاف تر دول عرب منتقد سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران و تقویت نقش رژیم صهیونیستی در منطقه را دارا می‌باشد. از مباحث مطرح شده در متن، نکات کلیدی ذیل قابل استخراج است:

۱- به نظر می‌رسد که آنچه با روی کار آمدن ترامپ بایستی نگران آن در ارتباط با ج.ا.ایران بود، نه برجام بلکه امکان اعمال تحریم‌ها در سایر زمینه‌ها از جمله موشک‌های بالستیک یا تشدید تحریم‌های حقوق بشری بود، کما اینکه ترامپ و تیم انتقالی قدرت وی نیز در حرکات جدید به دنبال اعمال تحریم‌های ج.ا.ایران در این زمینه‌ها بوده‌اند. برای نمونه سناتور بابکر وگر، نامزد احتمالی ترامپ برای وزارت امور خارجه گفته است که در حالت نوین طرحی است که به موجب آن، تحریم‌های کنگره علیه مقامات ایرانی که در تولید و توسعه موشک‌های بالستیک مشارکت دارند، وضع گردد. لیندسی گراهام نیز اظهار نظرهای مشابهی در مورد تحریم بخش‌های اقتصادی مرتبط با برنامه موشکی بالستیک ایران زده است. (<https://www.ft.com/content/7d51f092-b821-11e6-961e-a1acd97f622d>) از آنجا که مختل کردن یا بی اثر کردن توافقات بین‌المللی که در زمان ریاست جمهوری قبلی متعهد شده است، در زمان ریاست جمهوری جدید در سنت سیاست خارجی ایالات متحده مسبوق به سابقه نمی‌باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که ایالات متحده زمان ترامپ، به مرور زمان اجرای برجام را آن چنان سخت و دشوار می‌نماید که عملاً امکان انجام تعهدات بین‌المللی نه تنها ایالات متحده بلکه سایر دولت‌ها نیز بر مبنای آن وجود نداشته باشد. پاره کردن برجام و به عبارت دیگر، نقض تعهدات ایالات متحده بر طبق برجام نه تنها از منظر حقوقی موجبات مسئولیت بین‌المللی این کشور را فراهم خواهد آورد، بلکه از منظر عملی نیز، مشروعیت ادامه فعالیت‌های هسته‌ای را به ایران خواهد داد.

۲- بایستی تاکید داشت که راهبرد اصلی سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به جمهوری اسلامی ایران دچار تغییر نشده، بلکه تنها روش‌ها ممکن است متفاوت باشد. در واقع ایالات متحده از پس از پیروزی انقلاب اسلامی از هر ابزاری برای مهار، کنترل و ضربه به انقلاب مردم ایران نهایت استفاده را برده است. بنابراین از این منظر بایستی روی کارآمدن ترامپ و سیاست‌های اعلامی و اعمالی‌اش را تنها یک تغییر خط سیاسی دانست نه تغییر راهبرد.

۳- عدم تشریح دقیق برنامه‌ها از سوی ترامپ در قبال ایران و برجام، از سوی برخی به علت حفظ قابلیت «پیش بینی ناپذیری» ایالات متحده تعبیر شده است. در واقع، ترامپ از عدم گفتمان سازی امنیتی در سطح کشورهای عرب نهایت استفاده را برده و با تهدیداتی که نسبت به ایران و برجام می‌نماید یک گفتمان جایگزین امنیتی را در سطح کشورهای عرب نسبتاً به جمهوری اسلامی ایران شکل داده است.

۴- ایالات متحده آمریکا توافق جامع هسته‌ای با ایران را بر مبنای معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای با اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در زمان رییس جمهور کندی مورد مذاکره قرار داد و بر این اساس، اهداف مشابهی همچون فروپاشی شوروی (سابق) و تجزیه آن را که پس از معاهده منع آزمایش‌های هسته‌ای ایجاد شد؛ برای جمهوری اسلامی ایران پس از برجام در سر می‌پروراند.

با توجه به مباحث مطرح شده، چند راهکار عمده را می‌توان به منظور جلوگیری از ایجاد اختلال ترامپ در برجام مورد پیشنهاد قرار داد. این راهکارهای پیشنهادی عبارتند از: استفاده از ظرفیت شورای امنیت ملل متحد، توجه و استفاده از ظرفیت‌های داخلی جمهوری اسلامی ایران، توسل به کمیسیون حل و فصل اختلافات برجام و بهره‌گیری از تضاد نسبی منافع میان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی راجع به ایران.

استفاده از ظرفیت شورای امنیت ملل متحد می‌تواند یکی از راهکارهای محتمل برای پیشگیری از تکرار تهدیدات ترامپ در مورد اختلال در برجام باشد. با این حال، خود ترامپ نیز اشاره نمود که نقض توافقی که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد مورد تایید قرار گرفته است؛ سخت و دشوار خواهد بود. البته خود قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت می‌تواند در صورت نقض برجام توسط ترامپ برای جمهوری اسلامی ایران در زمینه بازگشت پذیری برنامه صلح آمیز هسته‌ای‌اش ایجاد مخاطره نماید؛ چرا که این قطعنامه که بر اساس فصل هفتم منشور

ملل متحد صادر شده است، بازگشت پذیری ایران به برنامه هسته ای اش را حتی می تواند نقض فصل هفتم منشور و زمینه ساز مشروعیت توسل به زور بر علیه ایران جلوه دهد.

اصلی ترین راهکار به منظور جلوگیری از ایجاد اخلال ترامپ در برجام، استفاده از ظرفیت های داخلی می باشد. در این خصوص چند سند اصلی بالادستی و قانونی وجود دارد از جمله در نامه مورخه ۲۹ مهر ۱۳۹۴ رهبر معظم انقلاب به ریاست محترم جمهوری آمده است: «در سراسر دوره هشت ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه ای (از جمله بهانه های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه مجلس، اقدام های لازم را انجام دهد و فعالیت های برجام را متوقف کند.» در بند ۳ قانون اقدام متناسب و متقابل جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۷/۲۱ تاکید شده است که: «دولت موظف است هرگونه عدم پای بندی طرف مقابل در زمینه لغو موثر تحریم ها یا بازگرداندن تحریم های لغو شده یا وضع تحریم تحت هر عنوان دیگر را به دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد، به طوری که ظرف دو سال ظرفیت غنی سازی کشور به ۱۹۰ هزار سو افزایش یابد. شورای عالی امنیت ملی مرجع رسیدگی به این موضوع می باشد. دولت باید ظرف مدت ۴ ماه برنامه خود را برای این منظور جهت تصویب به شورا ارائه نماید.» در این راستا، دولت می تواند با بازگرداندن نسبی بخشی از برنامه هسته ای ایران به قبل از انعقاد برجام به نحوی که منجر به نقض جدی در برجام نگردد، تهدیدات ترامپ در مورد اخلال در برجام را پاسخ دهد.

در این ارتباط، تازه ترین اقدام دستور مقام ریاست جمهوری به رییس سازمان انرژی اتمی به پیگیری دو دسته اقدام «برنامه ریزی برای طراحی و ساخت پیشران هسته ای جهت بهره گیری در حوزه حمل و نقل دریایی با همکاری مراکز علمی و تحقیقاتی» و «مطالعه و طراحی تولید سوخت مصرفی پیشران هسته ای با همکاری مراکز علمی و تحقیقاتی» باز می گردد که در راستای همین توجه به ظرفیت های داخلی قابلیت ارزیابی دارد.

توسل به کمیسیون حل و فصل اختلافات برجام را می توان اصلی ترین راهکار عینی پیش رو برای از کار انداختن تهدیدات ترامپ به اخلال در برجام دانست. این ساز و کار در بند ۳۶ برجام در

در بند ۳۶ برجام مورد پیش بینی قرار گرفته است.^۱

با وجود گذشت نزدیک به یک دهه از بحران اقتصادی در غرب، همچنان بسیاری از کشورهای اروپایی درگیر این بحران هستند و در این راستا، بازار جمهوری اسلامی ایران یکی از بهترین محرک‌ها به منظور صدور محصولات و دستیابی به یک بازار ۸۰ میلیون نفری می‌باشد. یکی از اقداماتی که دولت برای بی اثر نمودن روی کارآمدن ترامپ انجام داده است؛ انعقاد موافقت نامه با شرکت‌های غربی در زمینه‌های مختلف به ویژه استخراج منابع نفتی بوده است که از جمله آن می‌توان به امضای موافقت نامه موقت با شرکت رویال داتچ شل به منظور توسعه میادین آزادگان جنوبی و یادآوران بوده است. در این راستا، همچنین بایستی از ظرفیت‌های اقتصادی چین و روسیه که از دیگر طرفین برجام هستند، کمک گرفته شود. برای نمونه، دولت چین در چند سال گذشته، سیاست راهبردی تحت عنوان «یک کمربند یک راه»^۲ را به منظور احیای اقتصادی کشورهای مسیر جاده ابریشم آغاز نموده است. بدیهی است که می‌توان از این ابتکار سیاسی به منظور توسعه روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و بی اثر نمودن تهدیدات ترامپ راجع به اخلاف در برجام بهره گرفت.

منابع فارسی:

^۱ - بند ۳۶ مقرر می‌دارد: «چنانچه ایران معتقد باشد که هر یک یا کلیه گروه ۱+۵ تعهدات خود را رعایت ننموده اند، ایران می‌تواند موضوع را به منظور حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع نماید؛ به همین ترتیب، چنانچه هر یک از اعضای گروه ۱+۵ معتقد باشند که ایران تعهدات خود را رعایت نکرده است، هر یک از دولت‌های گروه ۱+۵ می‌تواند اقدام مشابه به عمل آورد. کمیسیون مشترک ۱۵ روز زمان خواهد داشت تا موضوع را فیصله دهد مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. متعاقب بررسی کمیسیون مشترک، چنانچه هر عضو معتقد باشد که موضع پایبندی فیصله نیافته است، می‌تواند موضوع را به وزیران امور خارجه ارجاع دهد. وزیران ۱۵ روز وقت خواهند داشت تا موضوع را فیصله دهند مگر این که این زمان با اجماع تمدید شود. پس از بررسی کمیسیون مشترک خواه عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیف اش موضوع بوده است می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیات مشورتی که متشکل از سه عضو خواهد بود بررسی شود. هیات مشورتی می‌بایست نظریه غیر الزام آوری را در خصوص موضوع پای بندی طرف ۱۵ روز ارایه نماید. چنانچه ، متعاقب این فرآیند ۳۰ روز موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیات مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشند و چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که موضوع، مصادیق عدم پای بندی اساسی می باشد، آنگاه ان طرف می‌تواند موضوع فیصله نیافته را به عنوان مبنای توقف کلی و یا جزیی از اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده و یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ نماید که معتقد است موضوع مصادق عدم پای بندی اساسی به شمار می آید.»

^۲ - One Belt One Road

مقالات

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، کالبد شکافی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۴
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵)، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام؛ رویکردی استراتژیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵
- کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۹۵)، تاثیرات برجام بر تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دو
- حمید رضا ملک محمدی، مهدی داوودی (۱۳۹۱)، تاثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه سیاست دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱
- علی آدمی، سید مهدی حبیبی و رامین بخشی تلیای (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و پروژه ایران هراسی دولت‌های عربی منطقه، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره دوم
- فرزانه نقدی، موسوی شفائی (۱۳۹۴)، اقتصاد سیاسی بین‌المللی ایران در دوران پساتحریم، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴

منابع انگلیسی:

Books

- Olivier Corten and Pierre Klein, (2011), **The Vienna Conventions on the Law of Treaties: A Commentary**, Volume 1, Oxford University Press.
- Kenneth Jenda, Jeffrey Berry and Jerry Goldman, (2006), **The Challenge of Democracy: Government in America**, Cengage Learning.

Web sits

- <http://www.pbs.org/newshour/rundown/ap-fact-check-donald-trump-iran-nuclear-deal/>
- <http://www.businessinsider.com/donald-trump-foreign-policy-2016-11>
- https://ballotpedia.org/2016_presidential_candidates_on_the_Iran_nuclear_deal
- <http://townhall.com/columnists/ronpaul/2016/12/05/trump-must-abandon-regime-change-for-iran-n2255368>
- <https://sputniknews.com/world/201609301045882884-us-iran-nuclear-deal/>
- <https://www.bloomberg.com/news/articles/2016-12-02/shredding-iran-nuclear-deal-could-prove-harder-than-trump-thinks>
- http://www.nytimes.com/2016/11/15/world/middleeast/trump-iran-deal.html?_r=0

- <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/url-donald-trump-iran-nuclear-deal-president-us-theresa-may-cia-edited-a7447501.html>
- <https://www.lawfareblog.com/state-department-affirms-iran-deal-only-political-commitment>, Lawfare (Nov. 28, 2015), last seen on 13/11/2016
- <https://www.theguardian.com/us-news/2016/sep/11/rudy-giuliani-donald-trump-anything-legal-war>
- http://www.nytimes.com/2016/11/18/us/politics/from-iran-to-syria-trumps-america-first-approach-faces-its-first-tests.html?_r=0
- http://www.ontheissues.org/2016/Donald_Trump_Foreign_Policy.htm
- <http://www.reuters.com/article/us-israel-usa-idUSKBN13T0TQ>
- <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/12/iran-hawks-wish-list-trump-era-military.html>
- <http://www.abc.net.au/news/2016-11-30/cia's-brennan-says-tearing-up-iran-deal-would-be-'folly'/8081146>
- <https://www.ft.com/content/7d51f092-b821-11e6-961e-a1acd97f622d>